

بررسی تغییرات ساختاری خانواده و تأثیر آن بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان

وکیل احمدی^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۵ تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۲

چکیده

مسئله مورد بررسی، نقش تغییرات ساختاری خانواده بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان است. از تئوری گذار جمعیتی به عنوان عامل تغییرات ساختاری خانواده، به عنوان چارچوب نظری پژوهش استفاده شده است. برای آزمون تجربی مدعای پژوهش، از داده‌های ثانویه پیمایش جهانی ارزش‌ها و صندوق جمعیت سازمان ملل برای ۵۰ کشور استفاده شده است. نتایج نشان داد که ساختار خانواده در کشورها بر اساس مراحل گذار جمعیتی متفاوت است و بنابراین شیوه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان نیز متفاوت است. نتایج تحلیل خوشه‌ای، نشان داد که کشورهایی که گذار جمعیتی اول را پشت سر گذاشته‌اند، مانند مالی، بوركینافاسو، زامبیا، اتیوپی، عراق و هند به ویژگی‌های ایمان مذهبی و اطاعت برای جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، اهمیت بیشتری داده‌اند، اما برای ویژگی‌های احساس مسئولیت، استقلال و عزم راسخ و پایداری برای جامعه‌پذیری دانش‌آموزان اهمیت کمتری قائل شده‌اند. کشورهایی که گذار جمعیتی را زودتر از بقیه کشورهای جهان پشت سر گذاشته‌اند، مانند کشورهای سوئد، ژاپن، فرانسه، هلند، اسپانیا، فنلاند، کره جنوبی، اسلوانی و... برای ویژگی‌های استقلال، احساس مسئولیت، عزم راسخ و پایداری (ویژگی‌های افراد کارآفرین) اهمیت زیادی قائل شده‌اند، اما به ویژگی‌های ایمان مذهبی و اطاعت برای جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، اهمیت کمتری داده‌اند. در ایران، والدین برای جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، بیشتر بر ویژگی‌های استقلال و ایمان مذهبی تأکید دارند و کمتر به ویژگی‌های احساس مسئولیت، اطاعت و عزم راسخ و پایداری، اهمیت می‌دهند.

مفاهیم کلیدی: گذار جمعیتی، خانواده، جامعه‌پذیری، دانش‌آموزان، ایران

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه رازی vakilahmadi@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از کارکردهای مهم خانواده، اجتماعی کردن فرزندان است. چگونگی جامعه‌پذیری فرزندان در خانواده، بر حسب شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی جامعه متفاوت است. تغییراتی که امروزه در خانواده‌ها به وجود آمده، جامعه‌پذیری دانش‌آموزان را نیز تحت تأثیر قرار داده است. تغییرات بنیادی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جوامع، مانند افزایش سن ازدواج، کاهش باروری، کاهش تعداد افراد خانواده و یا خانوار (کاهش بعد خانوار)، افزایش اشتغال و مشارکت زنان، دگرگونی‌های عمیقی را بر ساخت جامعه و به‌ویژه نهاد خانواده تحمیل می‌کند (تافلر، ۱۳۷۹). یکی از تغییرات اساسی در جوامع که به نوبه خود نظام خانواده را نیز تحت تأثیر قرار داده است، گذار جمعیتی است. گذار جمعیتی دارای مراحل است و در هر مرحله، جمعیت به لحاظ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، دارای ساخت ویژه‌ای می‌شود، مانند کاهش مولید، افزایش سن فرزندزایی، تغییر الگوی سنی باروری، کاهش بعد خانوار و تغییرات زناشویی و ازدواج. این تغییرات جمعیت‌شناختی در خانواده بستری فراهم می‌کند که باعث تغییراتی در ساختار جامعه‌شناختی خانواده می‌شود، مانند: کاهش روابط خویشاوندی (کاهش خانواده‌گرایی) در طی چند نسل و کاهش سرمایه اجتماعی درون گروهی ناشی از روابط خویشاوندی، افزایش سرمایه اجتماعی برون گروهی به دلیل کاهش روابط خویشاوندی، افزایش پس‌انداز خانواده‌ها، رسیدگی بیشتر والدین به فرزندان، افزایش تحصیلات زنان و مشارکت بیشتر آنان در نیروی کار و در نتیجه استقلال بیشتر آنان، تغییر شیوه جامعه‌پذیری و

بنابراین، نهاد خانواده در کشورهای مختلف، بر حسب اینکه در چه مرحله‌ای از گذار جمعیتی هستند و چه مدت، گذار جمعیتی را طی کرده‌اند، متفاوت است. کشورهای توسعه‌یافته امروزی تا ابتدای قرن بیستم، گذار جمعیتی را پشت سر گذاشته‌اند و حتی این کشورها امروزه وارد گذار جمعیتی دوم شده‌اند. کشورهای دیگر به نسبت توسعه‌یافتگی‌شان بعد از جنگ جهانی دوم این مراحل را پشت سر گذاشته‌اند. کشورهای در حال توسعه در مراحل پایانی این گذار هستند و برخی کشورهای کمتر توسعه‌یافته هنوز در مراحل ابتدایی این گذار قرار دارند.

جامعه‌شناسان، در خصوص تغییرات و دگرگونی‌هایی که در خانواده و به‌ویژه در تغییر

فرآیند جامعه‌پذیری در درون خانواده، به وجود آمده است، بیشتر به نقش انقلاب صنعتی، مدرنیته و تغییرات ارزشی ناشی از فرآیند مدرنیته اشاره دارند؛ بنابراین، نقش عوامل جمعیتی در این زمینه نادیده گرفته شده است. بیشتر پژوهش‌هایی که در خصوص جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در خانواده انجام شده است، به اهمیت نقش خانواده و روابط میان اعضای خانواده و تأثیر آن بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان اشاره کرده است و در این راستا پژوهشی در زمینه بررسی رابطه بین تغییرات ساختاری خانواده و نحوه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان وجود ندارد.

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تغییرات جامعه‌پذیری دانش‌آموزان بر حسب تغییرات ساختاری خانواده در طی فرآیند گذار جمعیتی است تا از این طریق، نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در خانواده - که در مطالعات قبلی نادیده و کم اهمیت شمرده می‌شد - بررسی شود.

۲. مبانی نظری

در طول قرن گذشته، نهاد خانواده دچار تغییرات ساختاری شده و گذار جمعیتی در این زمینه نقش اساسی ایفا کرده است. گذار جمعیتی اول، پس از بررسی تغییرات جمعیتی در کشورهای توسعه‌یافته امروزی شکل گرفت. این نظریه شرحی بر گذار از میزان تولد و مرگ و میر زیاد به میزان تولد و مرگ و میر کم بود و از سال ۱۹۲۹، زمانی که تامپسون داده‌های چند کشور را (از سال ۱۹۰۸ تا ۱۹۲۷) جمع‌آوری و تحلیل کرد، شکل گرفت (ویکس، ۱۳۸۵).

بنابر نظریه گذار جمعیتی، روند توسعه جمعیت در همه کشورها، مطابق با الگوی توصیف شده از تحولات تاریخی باروری و مرگ و میر در کشورهای صنعتی است. در ابتدا، درآمد سرانه در سطح پایین و میزان مرگ و میر و میزان باروری در سطح بالاست. افزایش درآمد، منجر به کاهش مرگ و میر از طریق بهبود تغذیه و مراقبت‌های بهداشتی می‌شود. با باقی‌ماندن باروری در سطح بالا، رشد جمعیت افزایش زیادی پیدا می‌کند، بعد از مدتی با افزایش بیشتر درآمد سرانه، باروری کاهش می‌یابد؛ مرحله بعدی گذار جمعیتی، میزان مرگ و میر و میزان باروری پایین است، بنابراین رشد جمعیت کاهش می‌یابد (استرالیک^۱، ۱۹۹۷).

1. Strulik

گذار جمعیتی، نقش علی مهمی در فرایند توسعه ایفا کرده و این نقش، کم اهمیت شمرده شده است؛ بنابراین، رشد اقتصادی، تغییرات تکنولوژیکی و یا به شکل مبهمی نوسازی، به عنوان نیرویی مهم برای فرآیند مدرن شدن جهان فرض شده است (دایسون^۱، ۲۰۰۱). به نظر مالمبرگ^۲ (۲۰۰۷) تغییر در روندهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، می تواند به وسیله تغییر در ویژگی های جمعیت شناختی یک جامعه تبیین شود (۲۰۰۷).

جامعه پذیری، فرایندی است که افراد یک جامعه از هنگام تولد تا لحظه مرگ از آن جدا نیستند و به شیوه های گوناگون از آن تأثیر می پذیرند. این فرآیند، ارزش ها و هنجارهای فرهنگی جامعه را در قالب الگوهای رفتاری هنجارمند، به افراد منتقل می کند و بدین سان نسل ها را به یکدیگر پیوند می دهد. از دیدگاه جامعه شناسان، در همه فرهنگ ها خانواده، سازه بنیادین جامعه پذیری در دوران کودکی است، اما با افزایش سن، بسیاری از سازه های دیگر، همچون نهادهای دینی، گروه همسالان و دوستان، بنگاه های آموزشی، و رسانه های گروهی نقش مهمی پیدا می کنند (گیدنز، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

به نظر کولی^۳ و کاردینر^۴ و دیگر روانشناسان اجتماعی، خانواده بیشتر از هر چیزی در تشکیل شخصیت اجتماعی، آرمان ها و امیال فرد یا شخصیت اساسی او مؤثر است و جنبه اصلی و بنیادی دارد. خانواده استقلال خواهی، اتکا به نفس، سلطه جویی و سلطه پذیری، قدرت استدلال و تفکر، آزاداندیشی و نوجویی، روحیه زورگویی، پرخاشگری و خشونت، میل به انتقام جویی، ستیزه گری، ملایمت و مهربانی، آرامی و اعتدال، همکاری، نظم و ترتیب و احترام به قوانین و مقررات، ابتکار و خلاقیت و... را به کودک می آموزد (قرائی مقدم، ۱۳۷۳: ۱۶۴).

از دیدگاه جامعه شناختی، شخصیت، نظام تمایلی هنجاری شده تعریف می شود. در این الگو، شخصیت، نظام واسطه بین نظام ارگانیک (آلی) و نظام اجتماعی (جامعه) تلقی می شود که در اثر جامعه پذیری، تکوین و رشد می یابد. تمایلات، نیازهای هنجاری شده ای هستند که طی فرآیند جامعه پذیری حاصل می شوند. موجود انسانی هنگام تولد به عنوان نظام ارگانیک، چیزی جز ماشین نیاز با ظرفیت بالقوه نیست. طی فرآیند جامعه پذیری، فرد

1. Dyson
2. Malmberg
3. Cooley, Ch
4. Kardiner, A

در راستای علایق افضل خود در برخورد با نظام‌های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را درونی می‌کند و به تدریج تمایلات (نیازهای هنجاری‌شده) گوناگون و در عین حال مرتبط به هم را کسب می‌کند و از این طریق حائز شخصیت می‌شود (چلبی، ۱۳۸۱: ۸۶).

تغییر نگرش نسبت به جامعه‌پذیری در ارتباط با تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها در قرن اخیر است. تئوری ارزش‌های فرامادی که توسط اینگلهارت در دهه ۱۹۹۰ بیان گردید، به تأثیر ارزش‌ها، عقاید و چرخش فرهنگی در رفتار انسان‌ها اذعان دارد. از نظر او اصطلاح فرامادی، به مجموعه‌ای از اهداف اشاره دارد که بعد از رسیدن مردم به امنیت مادی بر آن‌ها تأکید می‌شود، چراکه آن‌ها به امنیت مادی رسیده‌اند. ظهور فرامادی، نمایانگر وارونگی و معکوس‌شدن دیدگاه‌ها نیست، بلکه صرفاً تغییری در اولویت‌هاست. فرامادیون برای امنیت مادی و اقتصادی، ارزش مادی قائل نیستند، بلکه همانند افراد دیگر برای آن ارزش مثبتی قائلند، اما بر خلاف مادیون، آن‌ها اولویت بیشتری به ابراز وجود و کیفیت زندگی می‌دهند. تعریف و تقسیم‌بندی که اینگلهارت از ارزش‌ها ارائه می‌دهد، به صورت ارزش‌های مادی-فرامادی است و مبتنی بر نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مازلو می‌باشد. اینگلهارت، فرامادی-گرایان را کسانی می‌داند که در دوران ساخت شخصیتشان (قبل از نبوغ) امنیت مالی و جانی (امنیت سازنده) داشته‌اند و گرایش‌های اجتماعی و ارزشی فرامادی‌گرایانه دارند، چراکه امنیت مالی و جانی را مسلم می‌شمارند؛ بنابراین، یک رشته از نیازهای دیگر، همچون خودشکوفایی و عشق و دلبستگی که نیازهای سطح بالا هستند، برایشان مطرح می‌شود. این‌گونه افراد به گزینش و استقلال انسانی اهمیت فراوانی می‌دهند و به احتمال قوی تأکیدشان بر دین و هنجارها و ارزش‌های دینی کمتر است. در برابر، کسانی که به دلیل نداشتن احساس امنیت سازنده (برآمده از دوران ساخت شخصیت و وضعیت مالی کنونی‌شان) اولویت‌های مادی‌گرا دارند، امنیت مالی و جانی برایشان مهم‌تر است و تأکید بیشتری بر ارزش‌ها و هنجارهای دینی دارند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۵).

به نظر اینگلهارت، ارزش‌های فردی و ارزش‌های جامعه یک شبه تغییر نمی‌کنند، برعکس دگرگونی اساسی ارزش‌ها به تدریج و بیشتر به طرزی نامرئی روی می‌دهد، این دگرگونی وقتی در مقیاس وسیع پدید می‌آید که یک نسل جوان‌تر، جایگزین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگسال جامعه می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱).

تغییر ارزش‌ها از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی، بر جامعه‌پذیری در خانواده‌ها نیز تأثیر گذاشته است. در جوامعی که گذار جمعیتی اول را پشت سر گذاشته‌اند و هنوز بعد خانواده‌ها زیاد می‌باشد، والدین به دنبال ارضای نیازهای مادی فرزندان هستند. در چنین خانواده‌هایی ساخت خانواده ایجاب می‌کند که تأکید والدین در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان بر ویژگی‌هایی چون مطیع بودن، وابستگی به خانواده، استقلال کمتر، ریسک‌پذیری کمتر و... باشد. بعد از گذار جمعیتی و کاهش بُعد خانوارها در طی چند نسل، به تدریج والدین می‌توانند به نیازهای سطح بالاتر و نیازهای فرامادی فرزندان فکر کنند و فرزندان را نیز مطابق با الگوی نیازهای فرامادی، اجتماعی نمایند؛ بنابراین، می‌توان گفت با توجه به مراحل گذار جمعیتی جوامع و تغییر ساختار خانواده در فرایند نسلی، نحوه شکل‌گیری شخصیت فرزندان و جامعه‌پذیری آنان نیز متفاوت شده است. ساختار خانواده بعد از گذار جمعیتی، زمینه‌ای را فراهم می‌کند که شخصیت فرزندان، مطابق با نیازهای فرامادی شکل بگیرد.

یکی دیگر از عواملی که جامعه‌پذیری را در خانواده تحت تأثیر قرار می‌دهد، سرمایه اجتماعی خانواده است. بر اساس تعریف بوردیو، سرمایه اجتماعی، حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه است؛ البته این سرمایه مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه پیوندها می‌باشد. درواقع، پیوندهای شبکه‌ای، برای تبدیل شدن به سرمایه اجتماعی، می‌بایست مثبت و مبتنی بر اعتماد باشند (شارع‌پور، ۱۳۸۳).

کلمن در تعریف سرمایه اجتماعی مرتبط با خانواده، به روابط اجتماعی حمایتی که هم درون و هم بیرون خانواده فرد را دربرمی‌گیرد، اشاره دارد. در درون خانواده، سرمایه اجتماعی در روابط بین اعضای خانواده، به خصوص بین والدین و فرزندان تجلی پیدا می‌کند. سرمایه اجتماعی بیرون خانواده، به شبکه اجتماعی خانواده در اجتماع و رابطه آن با سایر نهادهای اجتماعی و اعضای اجتماع، از قبیل مدارس، سازمان‌های اجتماعی و غیره اشاره دارد (کلمن، ۱۹۹۸).

سبک‌های اجتماعی کردن فرزندان، بر حسب میزان و شکل سرمایه اجتماعی متفاوت است. این سبک‌ها، شامل سبک استبدادی، دموکراتیک، آزادی و فرزندسالارانه است.

بیشترین تأثیر سرمایه اجتماعی، بر انتخاب دو سبک استبدادی و دموکراتیک می‌باشد. سرمایه اجتماعی هرچه افزایش یابد، والدین کمتر از سبک تربیتی استبدادی استفاده می‌کنند و بیشتر به سبک تربیتی دموکراتیک روی می‌آورند. اما نکته‌ای که در اینجا باید به آن اشاره شود، نقش گذار جمعیتی در سرمایه اجتماعی خانواده‌هاست. گذار جمعیتی می‌تواند بستری برای تغییر نوع سرمایه اجتماعی خانواده‌ها از دورن گروهی به برون گروهی باشد.

با مرور منابع نظری و تجربی، به این نتیجه رسیدیم که تغییرات ساختاری خانواده، در نتیجه گذار جمعیتی است؛ بنابراین، گذار جمعیتی، قالب و بستر مناسبی برای تغییرات شیوه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در جوامع مختلف است. درواقع در هر مرحله از گذار جمعیتی، ساختار جمعیتی، ریکتار خاصی را فراهم می‌کند و ریکتار فراهم‌شده، شیوه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان را می‌سازد؛ بنابراین، بر حسب مراحل گذار جمعیتی، جامعه‌پذیری فرزندان متفاوت می‌شود و در هر مرحله، والدین دوست دارند فرزندان‌شان ویژگی‌های شخصیتی ویژه‌ای را در جریان جامعه‌پذیری، درونی کنند. بر اساس رهیافت نظری، فرض شده است که کشورهایی که در مراحل اولیه گذار جمعیتی هستند، برای جامعه‌پذیری فرزندان، بیشتر بر ویژگی‌هایی مانند اطاعت، تواضع، ایمان مذهبی و پشتکار و سخت‌کوشی تأکید می‌ورزند. درحالی‌که در کشورهای که در مراحل نهایی گذار جمعیتی هستند و در گذار جمعیتی دوم به سر می‌برند، بیشتر بر ویژگی‌هایی مانند استقلال، احساس مسئولیت، قدرت تخیل، عزم راسخ و پایداری تأکید دارند.

۳. روش‌شناسی

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تغییرات جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در طی تغییرات ساختاری خانواده در جوامع مختلف است. بررسی تحولات ساختاری خانواده در گذر زمان، نیازمند یک مطالعه طولی است. مطالعه طولی، نیازمند زمان و شرایط خاص خود می‌باشد و کمتر امکان‌پذیر است. چون در این تحقیق، گذار جمعیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد و همه کشورها در یک مرحله مشابه از گذار جمعیتی نیستند، بنابراین می‌توان به جای مطالعه طولی، از یک مطالعه مقطعی استفاده کرد و به هدف تحقیق نایل آمد. در اینجا به جای اینکه یک کشور خاص در گذر زمان که مراحل مختلف گذار جمعیتی را پشت سر

گذاشته، مورد مطالعه قرار گیرد و تحولات خانواده در مراحل مختلف گذار مورد مقایسه قرار گیرد، کشورهای مختلف که در مراحل مختلف گذار جمعیتی هستند، انتخاب شده‌اند و ویژگی‌های جامعه‌پذیری دانش‌آموزان از نظر والدین، مورد مقایسه قرار گرفته است. لازم به ذکر است که برای هر گویه، میانگین نمره والدین هر کشور منظور شده است.

در این تحقیق، جامعه آماری، والدین دانش‌آموزان در کشورهایی است که پیمایش جهانی سنجش نگرش‌ها در سال ۲۰۰۵ در آن‌ها انجام شد. در سال ۲۰۰۵ در ۵۲ کشور در مناطق مختلف جهان، پیمایش مذکور انجام شد؛ بنابراین، نمونه تحقیق، تمام ۵۲ کشور است و به نوعی در این تحقیق از نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است. دو کشور تایوان و رواندا، به دلیل فقدان داده‌های جمعیتی برای این کشورها، حذف شدند؛ پس در نهایت، نمونه تحقیق شامل ۵۰ کشور است.

گردآوری اطلاعات در این پژوهش، به دو شیوه است. داده‌های جمعیت‌شناختی برای ۵۰ کشور نمونه، از سایت صندوق جمعیت سازمان ملل به نشانی "www.prb.org" تهیه شده است. لازم به ذکر است که چون داده‌های پیمایش جهانی نگرش‌ها، مربوط به سال ۲۰۰۵ است، داده‌های جمعیتی نیز مربوط به سال ۲۰۰۵ می‌باشد. داده‌های ویژگی‌های جامعه‌پذیری کودکان نیز از پیمایش سنجش نگرش سال ۲۰۰۵ به نشانی "www.wvs.com" تهیه شده است. این پیمایش توسط اینگلهارت و همکارانش در کشورهای مختلف از سال ۱۹۸۱ هر سال در برخی کشورهای جهان انجام می‌شود. برای بررسی وضعیت گذار جمعیتی کشورها، از تحلیل خوشه‌ای استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی، از تحلیل خوشه‌ای و در سطح استنباطی از نمودار پراکنش از نرم افزار SPSS و معادلات ساختاری با نرم افزار Amos استفاده شده است.

فرضیه پژوهش:

بین گذار جمعیتی و نحوه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در کشورها، رابطه وجود دارد. در این پژوهش، برای عملیاتی‌کردن شاخص گذار جمعیتی، ابتدا گذار جمعیتی اول با چهار متغیر و گذار جمعیتی دوم نیز با چهار متغیر، عملیاتی شده‌اند و در نهایت از ترکیب آن‌ها شاخص گذار جمعیتی به دست آمده است.

شاخص نگرش نسبت به جامعه‌پذیری فرزندان در این پژوهش، با گویه‌های زیر اندازه-

گیری شده است، گویه‌های زیر از پیمایش نگرش و ارزش‌های جهانی اینگلهارت اخذ شده‌اند. در پرسشنامه پیمایش مذکور از والدین سؤال شده است: ویژگی‌های زیر شامل خصوصیاتی است که می‌توان فرزندان را به فراگیری آن‌ها در منزل تشویق کرد، کدام یک از آن‌ها از نظر شما خیلی مهم است؟ استقلال، احساس مسئولیت، قدرت تخیل، عزم راسخ و پایداری، ایمان مذهبی، پشتکار و سخت کوشی، تواضع، اطاعت.

برای اعتبار شاخص‌ها، از اعتبار محتوا به شیوه‌ی صوری استفاده شده است. از ۱۰ داور در حوزه‌های جامعه‌شناسی و علوم تربیتی، برای تعیین اعتبار این شاخص استفاده شده است. اعتبار محتوا با استفاده از نسبت CVR لاش^۱ اندازه‌گیری شده است. نسبت CVR نشان‌دهنده میزان ضروری بودن گویه برای اندازه‌گیری شاخص مربوط می‌باشد. با توجه به جدول حداقل نسبت CVR بر حسب تعداد داوران، نسبت کمتر از ۷۵٪ نشان‌دهنده ضروری نبودن گویه برای اندازه‌گیری شاخص مربوط است. برای پایایی شاخص‌ها نیز از همبستگی درونی گویه‌ها و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. در پایان، بعد از اعتباریابی و پایایی برای شاخص‌گذار جمعیتی، چهار متغیر و برای شاخص جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، پنج گویه در نظر گرفته شده است.

جدول شماره ۱. اعتبار و پایایی شاخص‌های گذار جمعیتی و جامعه‌پذیری دانش‌آموزان

شاخص	گویه	نسبت CVR	همبستگی درونی گویه‌ها	ضریب آلفا
گذار جمعیتی	۱. میزان مولید خام	۱	۰/۸۸	۰/۹۷
	۲. امید زندگی مردان	۱	۰/۸۷	
	۳. نسبت مجرد ۲۰-۲۴ مردان	۱	۰/۷۸	
	۴. نسبت طلاق زنان	۱	۰/۶۴	
جامعه‌پذیری دانش‌آموزان نسبت به نگرش	۱. استقلال	۱	۰/۶۸	۰/۷۰
	۲. احساس مسئولیت	۰/۸	۰/۶۹	
	۳. عزم راسخ و پایداری	۰/۸	۰/۷۰	
	۴. ایمان مذهبی	۱	۰/۶۷	
	۵. اطاعت	۱	۰/۷۱	

1. Lawshe

۴. یافته‌های پژوهش

برای بررسی وضعیت کشورها در طی فرایند گذار جمعیتی با استفاده از متغیرهای جمعیت‌شناختی، از تحلیل خوشه‌ای استفاده شده است. این روش به محقق امکان می‌دهد تا بر مبنای همگنی موجود در بین موارد یا موضوعات مورد مطالعه، آن‌ها را به شیوه‌ای مناسب طبقه‌بندی کند. در جدول زیر طبقه‌بندی کشورها بر حسب مراحل گذار با استفاده از تحلیل خوشه‌ای آمده است. در ضمن، برای هر خوشه میانگین و انحراف معیار برای متغیرهای شاخص گذار جمعیتی گزارش شده است.

جدول شماره ۲. نتایج تحلیل خوشه‌ای برای طبقه‌بندی کشورها بر اساس مراحل گذار جمعیتی

خوشه	شاخص آماره	میزان موالید خام	امید زندگی مردان	نسبت طلاق زنان	نسبت تجرد ۲۰-۲۴ مرد
۱. بورکینا فاسو، مالی، زامبیا	میانگین انحراف معیار	۴۲.۳ ۴.۳	۴۲.۳ ۴.۵	۰.۵ ۰.۲	۶۷ ۷.۳
۲. اتیوپی، غنا، هند، عراق، رواندا	میانگین انحراف معیار	۲۷ ۵.۲	۵۲.۸ ۷.۹	۱.۲ ۱.۴	۷۵.۳ ۶.۷
۳. برزیل، شیلی، چین، مصر، اندونزی، ایران، اردن، مراکش، رومانی، روسیه، ترکیه، اوکراین، آمریکا، پرو، مالزی، صربستان، تایلند، بلغارستان، آرژانتین، لهستان، مکزیک، انگلیس، قبرس، مولداوی، نیوزیلند، ترینیداد، ویتنام، کلمبیا، آفریقای جنوبی	میانگین انحراف معیار	۲۰.۴ ۴.۷	۶۸.۶ ۵.۲	۴.۵ ۲.۲	۸۰.۸ ۷.۲
۴. استرالیا، هنگ کنگ، فنلاند، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، هلند، کره جنوبی، اسلوانی، اسپانیا، سوئد، سوئزرلند	میانگین انحراف معیار	۱۰.۸ ۲	۷۶.۵ ۱.۸	۸ ۱.۵	۹۶.۶ ۱.۴

در جدول شماره ۲، کشورهای خوشه اول، کشورهایی هستند که در مراحل آغازین گذار جمعیتی اول هستند، بنابراین باروری و مرگ و میر، هردو در سطح بالایی می‌باشند. خوشه دوم، شامل کشورهایی است که مرحله اول گذار جمعیتی اول را پشت سر

گذاشته‌اند، شرایط مرگ و میر بهتر شده است، میزان باروری هم کاهش پیدا کرده است، سن ازدواج افزایش پیدا کرده و پیش‌رسی ازدواج کاهش پیدا کرده است.

خوشه سوم، شامل کشورهایی است که به طور کلی با توجه به شرایط باروری و مرگ و میر آنان می‌توان گفت گذار جمعیتی اول را پشت سر گذاشته‌اند، هرچند در بین این کشورها تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود. میزان باروری در این کشورها به سطح جانشینی رسیده است. شرایط مرگ و میر نسبت به کشورهایی که گذار جمعیت را پشت سر نگذاشته‌اند، بسیار بهتر شده است. این کشورها وارد مرحله گذار دوم جمعیتی شده‌اند و بنابراین ویژگی‌های ازدواج و زناشویی در آن‌ها تغییر یافته است. میانگین سن ازدواج برای هر دو جنس افزایش یافته است. افراد، دیرتر ازدواج می‌کنند، بنابراین پیش‌رسی ازدواج کاهش یافته و نسبت مجرد مردان ۲۴-۲۰ ساله نیز نسبت به کشورهای دو گروه قبلی، افزایش قابل توجهی یافته است.

خوشه چهارم، شامل کشورهایی است که چند دهه‌ای است، وارد گذار جمعیتی دوم شده‌اند. این کشورها از دهه ۱۹۸۰ تحولات زناشویی عمده‌ای را تجربه کرده‌اند. تداوم باروری بسیار پایین در طی این مدت به این تحولات کمک کرده است. تحولات زناشویی و ازدواج، مانند افزایش سن ازدواج، افزایش همخانگی‌های بدون ازدواج، افزایش طلاق، افزایش نسبت مجرد و افزایش تعداد زنانی که بدون بچه زندگی می‌کنند، باعث شده است که میزان باروری کل، به پایین‌تر از سطح جانشینی کاهش یابد. سن ازدواج برای مردان و زنان به بیش از ۳۰ سال افزایش پیدا کرده است.

جدول شماره ۳. جدول خوشه‌بندی کشورها بر حسب متغیرهای شاخص نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان

خوشه	استقلال	مسئولیت	عزم راسخ	ایمان مذهبی	اطاعت
۱. استرالیا، بلغارستان، چین، اتیوپی، فنلاند، آلمان، ایتالیا، ژاپن، هلند، نیوزیلند، کره جنوبی، صربستان، اسلوونی، سوئد، سوئیس، ویتنام	۶۶.۷	۳۱.۴	۵۱.۴	۱۵.۹	۲۵.۹
۲. آرژانتین، شیلی، قبرس، فرانسه، هند، مکزیک، روسیه، رومانی، اسپانیا، تایلند، اوکراین، انگلیس	۴۲.۵	۲۷.۹	۴۳.۱	۲۵.۵	۴۹.۷
۳. برزیل، کلمبیا، ایران، مالزی، مالی، مولداوی، مراکش، پرو، لهستان، رومانی، آفریقای جنوبی، ترکیه، آمریکا	۴۵.۹	۲۱	۲۸.۸	۵۴.۳	۴۱.۴
۴. بوریکنافاسو، مصر، غنا، اندونزی، عراق، اردن، ترینیداد، زامبیا	۴۴.۷	۱۴.۷	۳۱.۳	۷۸	۶۸.۸

نتایج تحلیل خوشه‌ای بر حسب شاخص جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، نشان می‌دهد کشورهای خوشه اول تا خوشه چهارم به ترتیب بالاترین میانگین از متغیرهای استقلال، احساس مسئولیت و عزم راسخ و پایداری را دارند و برعکس، خوشه‌های مذکور به ترتیب کمترین میانگین از متغیرهای ایمان مذهبی و اطاعت را دارند. کشورهای که در خوشه اول قرار گرفته‌اند، به غیر از کشورهای اتیوپی و ویتنام، همگی مراحل گذار جمعیتی را طی کرده‌اند؛ بنابراین، در این کشورها، بعد خانوارها بسیار کم است. در این کشورها، خانواده‌ها نگران نیازهای سطح زیستی فرزندان خود نیستند و به دنبال سطح بالاتری از نیازها یا به اصطلاح فرانیازها هستند. والدین کشورهای این خوشه دوست دارند فرزندان آن‌ها دارای ویژگی‌های احساس مسئولیت، استقلال و عزم راسخ باشند.

اکثریت کشورهای خوشه دوم نیز گذار جمعیتی اول را طی کرده‌اند، البته دو کشور هند و رومانی هنوز در مراحل آخر گذار جمعیتی اول قرار دارند. میانگین متغیرهای استقلال، احساس مسئولیت و پایداری و عزم راسخ در این کشورها تقریباً مشابه کشورهای خوشه اول است، اما میانگین دو متغیر ایمان مذهبی و اطاعت در این کشورها با کشورهای خوشه

اول متفاوت می‌باشد؛ بنابراین، کشورهای مذکور به عنوان خوشه‌ای متفاوت از خوشه اول در نظر گرفته شده‌اند.

کشورهای خوشه سوم نیز، به غیر از کشور مالی تقریباً مراحل گذار جمعیتی اول را پشت سر گذاشته‌اند، اما به لحاظ زمان پشت سر گذاشتن فرایند گذار جمعیتی اول از کشورهای خوشه اول و دوم عقب هستند؛ بنابراین، در اینجا نیز دیده می‌شود که نگرش نسبت به جامعه‌پذیری در آن‌ها با کشورهای خوشه اول و دوم متفاوت است و والدین بیشتر دوست دارند کودکان آن‌ها ایمان مذهبی و اطاعت بیشتری داشته باشند.

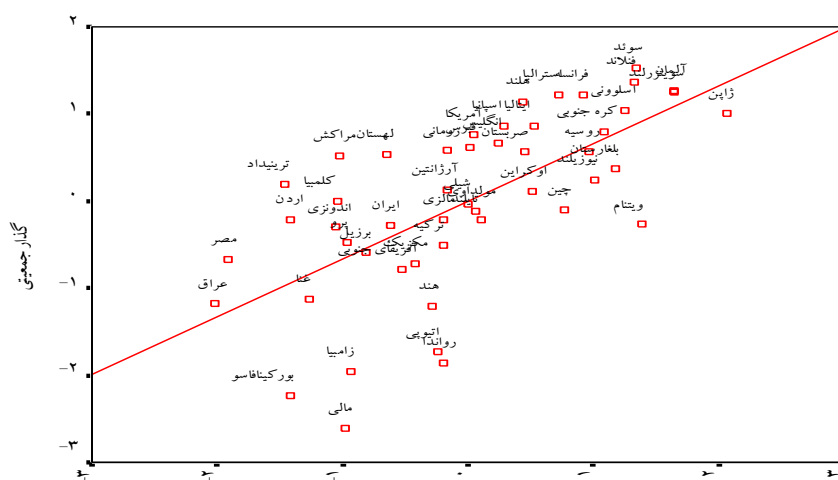
کشورهای خوشه چهارم، بر حسب شاخص جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، هنوز در مراحل ابتدایی گذار جمعیتی هستند، هنوز بعد خانوارها در این کشورها بالاست؛ بنابراین، ایجاب می‌کند که در این کشورها، جامعه‌پذیری کودکان نیز متفاوت از کشورهای دیگر باشد. میانگین متغیر اطاعت برای این خوشه نشان می‌دهد که والدین، بیشتر دوست دارند فرزندان آن‌ها مطیع و فرمانبردار آن‌ها باشند تا اینکه استقلال عملی و فکری داشته باشند و این برعکس کشورهای خوشه اول است که والدین، دوست دارند فرزندان آن‌ها استقلال فکری و عملی داشته باشند.

کشور ایران در شاخص نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، در خوشه سوم قرار گرفته است و میانگین نمره پاسخگویان کشور ایران برای ویژگی استقلال ۶۳.۱، ویژگی احساس مسئولیت ۱۷.۵۹، ویژگی عزم راسخ ۳۰.۲۶، ویژگی ایمان مذهبی ۷۱.۴۳ و ویژگی اطاعت ۳۲.۴۰ درصد بوده است.

میانگین نمره ایمان مذهبی برای ایران زیاد بوده است. این میانگین بالا نشان می‌دهد که در کشور ایران، بر ویژگی ایمان مذهبی به عنوان یکی از ویژگی‌های جامعه‌پذیری، تأکید زیادی می‌شود و یکی از دلایل اصلی این روند که برخلاف روند گذار جمعیتی است، ساختار مذهبی و فرهنگی کشور ایران می‌باشد که این ساختار، در نگرش والدین نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان نیز دیده می‌شود.

به طور کلی، با توجه به نتایج این پژوهش، می‌توان گفت میزان اهمیت والدین در ایران بیشتر بر ویژگی‌های استقلال و ایمان مذهبی بوده است و کمتر بر ویژگی‌های احساس مسئولیت، اطاعت و عزم راسخ و پایداری اهمیت داده‌اند.

در ادامه، برای بررسی وضعیت کشورهای نمونه پژوهش در دو شاخص گذار جمعیتی و نگرش نسبت به جامعه‌پذیری، نمودار پراکنش بین گذار جمعیتی و ویژگی‌های جامعه‌پذیری دانش‌آموزان به تفکیک آورده شده است.



شکل شماره ۱. نمودار پراکنش بین شاخص گذار جمعیتی و شاخص نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان

در شکل شماره ۱ محور عمودی، شاخص گذار جمعیتی کشورها را نشان می‌دهد. محور افقی نیز، شاخص نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان را نشان می‌دهد. با در ارتباط قرار دادن دو متغیر، می‌توان وضعیت کشورها را بر حسب دو شاخص گذار جمعیتی و نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، مورد بررسی قرار داد. همچنان‌که خط برازش نشان می‌دهد، انحراف کشورها از خط مذکور زیاد نیست، بنابراین می‌توان گفت رابطه خطی بین دو شاخص فوق وجود دارد و می‌توان یک معادله خط برای رابطه فوق نوشت و خطای کمی نیز وجود دارد. لازم به ذکر است که نمره عاملی دو شاخص به عنوان نمره دو محور در نظر گرفته شده است.

نمودار نشان می‌دهد کشورهایی که نمره گذار جمعیتی آنها کم می‌باشد مانند مالی، بورکینافاسو، زامبیا، رواندا، اتیوپی، غنا، عراق، هند در شاخص نگرش نسبت به

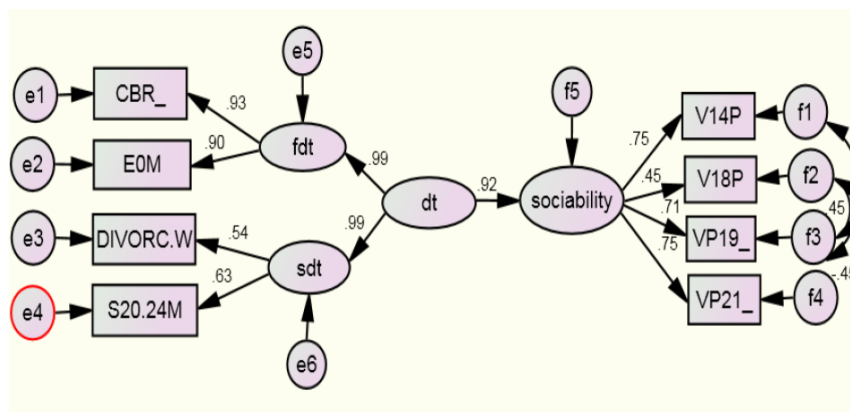
جامعه‌پذیری دانش‌آموزان نیز نمره کمتری گرفته‌اند. نمره کمتر در اینجا یعنی اهمیت بیشتر به ویژگی ایمان مذهبی و اطاعت و اهمیت کمتر برای ویژگی احساس مسئولیت، استقلال و عزم راسخ و پایداری برای جامعه‌پذیری دانش‌آموزان می‌باشد.

کشورهایی که نمره متوسطی از گذار جمعیتی دارند و به تازگی گذار جمعیتی اول را پشت سر گذاشته‌اند، نمره متوسطی نیز از شاخص جامعه‌پذیری دانش‌آموزان گرفته‌اند، مانند کشورهای ایران، مصر، مکزیک، برزیل، ترکیه، تایلند، اندونزی و

کشورهایی که گذار جمعیتی را زودتر از بقیه کشورهای جهان پشت سر گذاشته‌اند، مانند کشورهای سوئد، ژاپن، فرانسه، هلند، اسپانیا، فنلاند، کره جنوبی، اسلونی و ... نمره جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در آن‌ها زیاد است، یعنی در این کشورها اهمیت زیادی برای ویژگی‌های استقلال، احساس مسئولیت، عزم راسخ و پایداری و اهمیت کمتری برای ایمان مذهبی و اطاعت به عنوان ویژگی‌هایی که دانش‌آموزان بر اساس آن‌ها جامعه‌پذیر می‌شوند، قائلند.

ضریب همبستگی بین دو شاخص گذار جمعیتی و نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، برابر با ۰/۷۷ است؛ همچنین، R Square یا ضریب تعیین برابر با ۰/۶۰ می‌باشد. پس می‌توان گفت بین دو شاخص، ارتباط معنی‌داری وجود دارد و ۶۰ درصد از واریانس متغیر وابسته (نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان) توسط متغیر مستقل (گذار جمعیتی) تبیین می‌شود.

برای بررسی مدل نظری رابطه بین گذار جمعیتی و نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، مدل تجربی زیر، با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و با کمک نرم‌افزار Amos مورد آزمون قرار گرفته است. در مدل تجربی زیر، گذار جمعیتی اول و گذار جمعیتی دوم سازه‌های پنهان عامل پنهان دیگری به نام گذار جمعیتی هستند. گذار جمعیتی به عنوان یک متغیر مستقل بر متغیر وابسته نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان اثر می‌گذارد.



شکل شماره ۲. مقادیر و برآوردهای استاندارد مدل معادله ساختاری برای تأثیر گذار جمعیتی بر نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان

در شکل شماره ۲ با استفاده از دو متغیر میزان مولید خام (CBR) و امید زندگی مردان (EOM)، شاخص گذار جمعیتی اول (fdt) اندازه‌گیری شده است. برای اندازه‌گیری شاخص گذار جمعیتی دوم (sdt) نسبت مجرد ۲۰-۲۴ ساله مردان (S20.24M) و نسبت طلاق زنان (DIVORC.W) استفاده شده است. از دو عامل پنهان گذار جمعیتی اول (fdt) و گذار جمعیتی دوم (sdt) برای اندازه‌گیری شاخص گذار جمعیتی (dt) استفاده شده است. در مدل بالا، خطای اندازه‌گیری دو متغیر میزان مولید خام (CBR) و امید زندگی مردان (EOM) همبسته، فرض شده است. بارهای عاملی گذار جمعیتی اول و گذار جمعیتی دوم برای اندازه‌گیری عامل گذار جمعیتی در این مدل برابر با هم و ۰/۹۹ است. نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان (sociability) با متغیرهای زیر اندازه‌گیری شده است:

V14P احساس مسئولیت، V18P عزم راسخ و پایداری، V19P ایمان مذهبی، V21P

اطاعت.

لازم به ذکر است که گویه «V12P: استقلال» که در مدل اندازه‌گیری شاخص نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان وجود داشت، برای برازش بهتر مدل و اصلاح مدل، حذف شده است، زیرا خطای این گویه معنی‌دار نبوده و حذف آن باعث بهبود ضرایب

تأثیر، بار عاملی و برازش مدل شده است.

در مدل فوق، خطای اندازه‌گیری گویه‌های V14P: احساس مسئولیت با V19P: ایمان مذهبی و همچنین گویه‌های V18P: عزم راسخ و پایداری با V19P: ایمان مذهبی برای برازش بهتر مدل همبسته، فرض شده است.

معادله ساختاری شکل بالا، تأثیر عامل پنهان گذار جمعیتی (dt) بر عامل پنهان نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان (sociability) است. ضریب تأثیر گذار جمعیتی روی شاخص نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان ۰/۹۲ می‌باشد. پس می‌توان گفت گذار جمعیتی، تأثیر زیادی روی نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان دارد. هرچه کشوری در مراحل گذار جمعیتی جلوتر باشد، مردم آن کشور دوست دارند فرزندان خود را با ویژگی‌های احساس مسئولیت، عزم راسخ و پایداری و ویژگی تخیل، جامعه‌پذیر کنند و کمتر برای ویژگی‌های ایمان مذهبی و اطاعت برای جامعه‌پذیری کودکان خود اهمیت قائل هستند و بر عکس اگر کشوری در مراحل ابتدایی گذار جمعیتی باشد، مردم آن کشور، برای ویژگی‌های اطاعت و ایمان مذهبی، برای جامعه‌پذیری کودکان خود اهمیت زیادی قائل هستند تا ویژگی‌هایی مانند استقلال، احساس مسئولیت و اراده و پایداری. نمودار پراکنش بین دو شاخص که در ادامه می‌آید مطلب بالا را به خوبی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴. شاخص‌های برازش مدل معادله ساختاری گذار جمعیتی و نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان

شاخص	شاخص			مدل تدوین شده درجه آزادی= ۱۷
	علامت اختصاری	معادل فارسی	دامنه قابل قبول	
تطبیقی	CFI	شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۰ - ۱	۰/۹۹
	TLI	شاخص توکر-لویس	۰/۹۰ - ۱	۰/۹۸
مقتصد	PNFI	شاخص برازش هنجار شده مقتصد	۰/۵۰ - ۱	۰/۵۵
	PCFI	شاخص برازش تطبیقی مقتصد	۰/۵۰ - ۱	۰/۶۰
	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	۰ - ۰/۰۸	۰/۰۵
مطلق	GFI	شاخص نیکویی برازش	۰/۹۵ - ۱	۰/۹۰
	AGFI	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	۰/۹۵ - ۱	۰/۸۰
	Chi- Square	مقدار کای اسکوئر	وابسته به حجم نمونه	۱۹
	P-Value	سطح معناداری	وابسته به حجم نمونه	۰/۳۲۶

شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهد که مدل معادله ساختاری فوق، از برازش خوبی برخوردار است. شاخص‌های تطبیقی مدل تدوین شده مناسب هستند. شاخص‌های مقتصد (شاخص برازش هنجار شده مقتصد و شاخص برازش تطبیقی مقتصد) قابل قبولند و شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نیز قابل قبول است. شاخص‌های مطلق (شاخص نیکویی برازش و شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده) کمی پایین‌تر از دامنه، قابل قبول هستند. در مجموع با توجه به سایر شاخص‌ها می‌توان گفت مدل تدوین شده از برازش قابل قبولی برخوردار است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش تغییرات خانواده در شیوه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان است. در خصوص عوامل تأثیرگذار بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، بیشتر محققان و پژوهشگران به نقش نهاد خانواده اشاره می‌کنند. تغییر شیوه معیشت از خوشه‌چینی و شکار به کشاورزی، باعث شد نهاد خانواده از نظام مدارسالاری به نظام پدرسالاری تغییر یابد. تغییر شیوه معیشت و اقتصاد جوامع از کشاورزی به صنعتی، باعث تغییر خانواده گسترده به هسته‌ای شد. به نظر می‌رسد در قرن اخیر، گذار جمعیتی، باعث تغییرات ساختاری در خانواده شده است. این تغییرات، باعث شده شیوه جامعه‌پذیری فرزندان نیز تغییر یابد. در طی گذار جمعیتی اول، تعداد فرزندان و بُعد خانواده کاهش می‌یابد. وقتی بُعد خانواده کاهش می‌یابد، ساخت خانواده نیز تغییر پیدا می‌کند. این ساخت جدید، به عنوان یک ریختار یا خواص ساختاردهنده عمل می‌کند و به تدریج زمینه تغییرات دیگری فراهم می‌شود.

نتایج تحلیل خوشه‌ای نگرش نسبت به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، نشان داد که کشورهای که گذار جمعیتی را پشت سر گذاشته‌اند، مانند مالی، بورکینافاسو، زامبیا، رواندا، اتیوپی، غنا، عراق، هند اهمیت بیشتری برای ویژگی‌های ایمان مذهبی و اطاعت برای جامعه‌پذیری فرزندان و اهمیت کمتری برای ویژگی‌های احساس مسئولیت، استقلال و عزم راسخ و پایداری برای جامعه‌پذیری فرزندان قائل شده‌اند. لازم به ذکر است که ویژگی‌های اخیر، جزو ویژگی‌های افراد کارآفرین است و ویژگی‌های کارآفرینی بیشتر در کشورهای

توسعه‌یافته وجود دارد.

کشورهایی که گذار جمعیتی را زودتر از بقیه کشورهای جهان پشت سر گذاشته‌اند، مانند کشورهای سوئد، ژاپن، فرانسه، هلند، اسپانیا، فنلاند، کره جنوبی، اسلوونی و... اهمیت زیادی برای ویژگی‌های استقلال، احساس مسئولیت، عزم راسخ و پایداری (ویژگی‌های افراد کارآفرین) و اهمیت کمتری برای ایمان مذهبی و اطاعت به عنوان ویژگی‌هایی که دانش‌آموزان بر اساس آن‌ها جامعه‌پذیر می‌شوند قائل شده‌اند. در ایران، میزان اهمیت والدین برای جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، بیشتر بر ویژگی‌های استقلال و ایمان مذهبی بوده است و کمتر بر ویژگی‌های احساس مسئولیت، اطاعت و عزم راسخ و پایداری، تأکید داشته‌اند.

۶. پیشنهادهای کاربردی

به عنوان پیشنهاد پژوهشی می‌توان گفت برای بررسی جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، نقش تغییرات ساختاری خانواده در کشورها که متأثر از فرایند گذار جمعیتی است، نباید نادیده گرفته شود. پیشنهاد می‌شود نظام آموزشی و رسانه‌ها، برای جامعه‌پذیری دانش‌آموزان بر ویژگی‌هایی مانند احساس مسئولیت، عزم راسخ، استقلال و... تأکید بیشتری داشته باشند، زیرا با تکیه بر این ویژگی‌ها است که می‌توان افراد کارآفرینی در جامعه به وجود آورد و زمینه را برای توسعه مبتنی بر دانایی فراهم آورد.

۷. منابع

۱. اینگلهارت، رونالد (بی‌تا)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر (۱۳۷۷)، تهران: انتشارات کویر.
۲. تافلر، آلوین (بی‌تا)، موج سوم، ترجمه شهین‌دخت خوارزمی (۱۳۷۲)، قم: چاپخانه مهر.
۳. چلبی، مسعود (۱۳۸۱)، بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۴. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳)، ابعاد کارکردی سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن، انجمن جامعه‌شناسی ایران، مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، تهران: آگاه، ۲۹۱-۳۲۴.
۵. قرائی‌مقدم، امان (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: کتابخانه فروردین.
۶. کلمن، جیمز (بی‌تا). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری (۱۳۷۷)، تهران: نشر نی.
۷. گیدنز، آنتونی (۱۹۹۵)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری (۱۳۸۱)، تهران: نشر نی.
۸. ویکس، جان (۱۹۹۶)، جمعیت، ترجمه الهه میرزایی (۱۳۸۵)، تهران: نشر مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
9. Dyson, Tim (2001). A partial theory of world development: the neglected role of the demographic transition in the shaping of modern society. *International Journal of population geography*, No, 7, p 67-90.
10. Lawshe, C.H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personal Psychology*, Vol.28, No, 4, p563-575.
11. Malmberg, Bo (2007). Demography and social development. *International Journal of social welfare*, No, 16, p 21-34.
12. Strulik, Holger (1997). Learning-by-doing, population pressure, and the theory of demographic transition. *Journal Population Economics*, No, 10, p 285-298.

